

## گزارش «اکنونمیست» از جمعیت، رشد و نابرابری در جهان: نسل سالخورده در حال دگرگون سازی اقتصاد جهانی



جمعیت کره زمین در قرن بیستم به دو برابر رسید. اما حتی در قرن حاضر یک بار هم دو برابر افزایش پیدا نخواهد کرد که علت مهم آن کاهش سرایشی نرخ ولادت است. اما تعداد سالخوردگان بالای ۶۵ سال آن هم فقط در طول ۲۵ سال آینده به دو برابر افزایش می یابد. این انتقال در ساختار جمعیتی به اهمیت آنچه در گذشته اتفاق افتاد، نیست. ولی می تواند عامل موثری در تغییر شکل اقتصاد جهان باشد.

به گزارش شفقنا، روزنامه شرق با انتشار گزارشی از اکنونمیست که توسط محمدحسن ایپکچی ترجمه شده است، نوشت: بر اساس گزارش تخمین جمعیتی سازمان ملل، در حال حاضر حدود ۶۰۰ میلیون نفر بالای سن ۶۵ در جهان زندگی می کنند که خود قابل ملاحظه است. گفته شده به احتمال قریب به یقین نیمی از مردمی که بالای ۶۵ سال دارند، هم اکنون نیز زنده باشند. اما از لحاظ جمعیت کل که رقم هشت درصد را اعلام داشته اختلافی با آنچه همین چند دهه قبل نشان می داد، ندارد.

بنابراین، تا سال ۲۰۳۵، بیش از ۱/۱ میلیارد نفر (۱۳ درصد جمعیت جهان) بالای ۶۵ سال خواهند داشت. چنین اتفاقی در نتیجه طبیعی کاهش نرخ ولادتی است که رشد کلی جمعیت را به کندی می کشاند. به این معنی که در گوشه و کنار جهان محدود افراد در سن جوانی را در ساختار جمعیتی شاهد خواهیم بود. نرخ وابستگی افراد سالخورده به طبقه سنی مولد حتی با سرعت بیشتری رشد می یابد. در سال ۲۰۱۰، در مقابل هر یکصد جوان فعال مابین ۲۵ تا ۶۴ سال، ۱۶ سالخورده بالای ۶۵ سال در جهان داشتیم که مشابه نرخ ۱۹۸۰ بود. پیش بینی سازمان ملل اینکه تا سال ۲۰۳۵ این تعداد به ۲۶ نفر افزایش خواهد یافت.

### ۱- جدول نرخ وابستگی جمعیت پیر در جهان

این رقم برای کشورهای ثروتمند بسیار بالاتر است. در ژاپن در ازای هر صد نفر افراد واقع در سنین اشتغال و تا سال ۲۰۳۵، ۶۹ سالخورده وابستگی اقتصادی خواهند داشت (در سال ۲۰۱۰ برابر ۴۳ نفر بود)، آلمان ۶۶ نفر

(نسبت به ۳۸ نفر). حتی آمریکا که دارای نرخ باروری نسبتاً بالایی هم هست، نرخ وابستگی هرم سنی پیر به بیش از ۷۰ درصد و تا ۴۴ نفر می‌رسد. کشورهای در حال توسعه که امروزه دارای نرخ بسیار پایین‌تری هستند به آن صورتی که فکر می‌کنیم دچار رشد نخواهد شد اما به نسبت رشد بالاتر خواهد رفت. اما در کشور چین و در همان مقطع زمانی، نسبت وابستگی به جمعیت شاغل از ۱۵ به ۳۶ نفر افزایش نشان خواهد داد و البته در آمریکای لاتین انتقالی را از ۱۴ نفر به ۲۷ نفر تجربه می‌کند.

سه راه پیش‌رو

اما استثنای مهم در این میان منطقه جنوب آسیا و قاره آفریقا با نرخ باروری بالاست. از آنجا که این دو منطقه محل سکونت سه میلیارد نفر است، رشد تا پنج میلیارد تا نیمه قرن حاضر باعث می‌شود تا جوانان اهرم پر قدرتی محسوب شوند. کشورهای نوظهور نیز وابستگی پیران خود را با دوبرابر افزایش یعنی تا ۲۲ نفر در هر صد نفر تا سال ۲۰۳۵ خواهند دید.

همچنین نباید از نظر دور داشت که بخش بزرگ‌تر جمعیت پیر جهان به معنی کاهش سرعت رشد بوده و در نتیجه این طبقه مجبور است برای گذران زندگی خود از دارایی‌های خود بهره برده و کمتر بتواند پس‌انداز کند. که البته به زودی جامعه پیر شاهد کاهش ارزش سرمایه و افزایش نرخ بهره خواهد شد. تازه، برخی از اقتصاددانان دمدمی‌مزاج بر این عقیده‌اند که مردم بیشتر از گذشته خود را با محیط تطبیق داده و طولانی‌تر از قبل به کار مبادرت خواهند کرد.

جمعیت از سه طریق بر اقتصاد جهان تاثیرگذار است: تغییر در اندازه نیروی کار، نرخ رشد تولید و الگوی پس‌انداز.

در این که تاثیر عوامل سه‌گانه فوق قطعی است شکی وجود ندارد، اما حداقل برای سال‌های آینده نوعی نگرانی در مورد نیروهای کاری با مهارت‌های بالا و بالقوه فعالی و مولدی است که خود را بیش از امروز نشان خواهد داد. حالا وقتی می‌گوییم جمعیت پیر جهان در حال فرتوتی بیشتر بدون رشدی قابل قبول است به این معنی است که چنانچه، سن بازنشستگی نخواهد تغییر کند در آینده نزدیک نیروی کار کمتری را شاهد خواهیم بود. به عبارتی دیگر، باید پذیرفت که هرگونه بازدهی بدون در نظر داشتن رشد تولید، خنثی‌سازی بیشتری را در فرآیند رابطه جمعیت و بازده اجتماعی ایجاد می‌کند. با معیار سازمان ملل در تعیین سقف ۶۵ سالگی برای پایان حیات اشتغال و با لحاظ کردن عدم افزایش تولید، جمعیت سالخورده می‌تواند موجب مانعی جدی در کاهش شدید نرخ رشد به میزان یک‌سوم و یک‌پنجم طی سال‌های آتی در برخی کشورهای ثروتمند جهان شود.

نتایج یک محقق نشان داده که روند کاهشی جمعیت واقع در سن اشتغال در ژاپن بین سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۱۳ رشد تولید ناخالص ملی این کشور تا ۶۰ درصد به طور سالان به پایین کشیده و طی چند سال آینده این میزان نقیصه به یک‌درصد در سال خواهد رسید. همچنین کاهش نیروی کار در آلمان رشد ناخالص ملی را

نیم درصد پایین آورده و در آمریکا، بازنشستگی بخشی از نیروی اشتغال به میزان ۷/۰ درصد رشد بالقوه اقتصادی را کاهش می دهد.

بنابراین اندازه واقعی نیروی کار بیش از آنکه به ساختار سنی جمعیت مربوط باشد به این عامل وابسته است که اولاً - چه گروه هایی به اشتغال روی خواهند آورد (زنانی که هم اینک مشغول به کار نیستند یا گروه های مهاجر) و ثانیاً - نیروهای کاری تا چه مدتی مشغول خواهند بود. در اواخر قرن بیستم بود که عامل ثانوی اخیر کمی تغییر یافت. بررسی تحلیلی روی ۴۳ کشور ثروتمند توسط دانشگاه هاروارد نشان داد بین سال های ۱۹۶۵ تا ۲۰۰۵، میانگین سن بازنشستگی قانونی به کمتر از شش ماه افزایش یافت و در همان زمان، امید به زندگی مردان نیز تا ۹ سال افزایش پیدا کرد.

با پایان قرن گذشته، همان روند قبلی ادامه داشت. حدود ۲۰ درصد جمعیت بالای ۶۵ سال آمریکا در حال حاضر در بازار کار فعالند که در مقایسه با رقم ۱۳ درصد در سال ۲۰۰۰ افزایشی را نشان می دهد. نزدیک نیمی از جمعیت آلمان با ۶۰ سال سن در استخدام مراکز اشتغال هستند که این رقم در یک دهه پیش یک چهارم جمعیت کشور بود.

کشورهای بدهکار اروپا ضمن انصراف از وعده و وعیدهایی که به بازنشستگان داده بودند بالاجبار سن بازنشستگی را بالا برده اند. نیمی از کشورهای اروپایی که ایتالیا، اسپانیا و هلند را نیز شامل می شود سن مقرر بازنشستگی را با امید به زندگی ربط داده اند. البته نقش شرایط و امکانات مالی شخصی مردم را نیز نباید فراموش کرد. مهم اینکه در اغلب کشورها انتقال جمعیتی مورد اشاره نقش بسزایی در بحران مالی ۲۰۰۸ ایفا کرد. به طوری که زیان آن متوجه دارایی های بسیاری از افراد واقع در سن بازنشستگی شد. همچنین برخی مشکلات دولت ها در تامین مایحتاج بازنشستگان موجب شد تا کسری دریافتی آنها از طریق اشتغال مجدد و بیش از حد طاقت به نوعی جبران شود.

## ۲- نرخ اشتغال مردم آمریکا برحسب سن و سطح تحصیلات

اما عامل بسیار مهم دیگر سطح آموزش و تحصیلات است. جمعیت تحصیل کرده بالای ۶۵ سال برای مدت زمان بیشتری نسبت به همسالانی که دارای تحصیلات بالا نیستند می توانند به کار اشتغال داشته باشند. در آمریکا، فقط ۳۲ درصد فارغ التحصیلان مرد مقطع متوسطه، شاغلان بازار کار را در رده سنی ۶۲ تا ۷۴ نشان می دهد. این رقم برای تحصیلات بالاتر به ۶۵ درصد بالغ می شود. اما برای جامعه زنان، این نسبت یک چهارم در برابر یک پنجم (بسته به میزان تحصیلات) دور می زند. همچنین فقط یک چهارم سالخوردگان واقع در سنین ۶۴-۶۰ که دارای کمترین میزان تحصیلات هستند هنوز به انجام کاری مبادرت دارند.

بدیهی است شاغلان فاقد مهارت لازم در سنین بالاتر به مشقت بیشتری دچار می شوند و به نسبت دستمزد کمتری نیز دریافت می کنند. چنین وضعیتی شرایط را برای دوران بازنشستگی سخت می سازد. اما در مورد افراد

غیرشاغل که مهارت ناچیزی را هم با خود دارند مساله بازنشستگی بسیار دردآور است. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد: کسانی که از حالت بی‌اشتغالی وارد دوران بازنشستگی می‌شوند دارای احساس خاصی از خوشی هستند. کارکنان ماهر نیز که دستمزد بیشتری دارند انگیزه بیشتری برای ادامه کار دارند. سلامتی و طول عمرشان بیشتر و حتی بعد از سن ۶۵ سال انگیزه، علاقه و دلبستگی بیشتری نیز به ادامه کارشان دارند.

البته آنچه آمد نه دلیل بر رشد نیروی کار است. نرخ کلی اشتغال در میان افراد بالای ۶۰ سال نسبت به همسالان گروهی خود در سنین پایین‌تر همچنان کمتر است. در اروپا، نرخ بیکاری در میان جوانانی که حداقل تحصیلات را ندارند بسیار بالاست. در آمریکا، نرخ اشتغال برای افراد بی‌تجربه بسیار کاهش یافته است. به طور کلی نرخ اشتغال (برای زنان) در بسیاری از نقاط جهان در حال کاهش است.

بسیاری از مطالعات نشان می‌دهد عمده ظرفیت‌ها و تجارب کاری مردم همزمان با گذر عمر کاهش می‌یابد. بررسی اخیر یک موسسه تحقیقاتی کانادا روی بازی ویدیویی گویای همین واقعیت است. «آلفرد سوی» با اشاره به جهان اول آن را «جامعه پیر» نامیده است. این جامعه گویای مردمی است که در منازل قدیمی زندگی کرده و همراه با افکار و اندیشه‌های گذشته نفس می‌کشند.»

طی دهه ۱۹۹۰ رشد تولید در ژاپن همسو با کاهش جمعیت فعال رو به نقصان گذاشت و عملکرد تولیدی آلمان همزمان با پیری جمعیت سیرنزولی یافت.

اما رشد آرام تولید ژاپن ناشی از سرمایه‌های غنی و برنامه اصلاحی آلمان مبتنی بر کاهش بیکاری بر این اساس اتفاق می‌افتد که هر دو کشور همچنان با هرم سنی سالخورده ظرفیت بالایی از نوآوری را نسبت به آمریکا دارند. کمبود نیروی کار خود مشوق و انگیزه‌ای قوی برای نوآوری‌های تکنولوژی به منزله سرمایه و دارایی کشور است. همچنان که ژاپن پیشقدم بهره‌برداری از «روبوت»ها برای نگهداری از افراد پیر شده است.

شاید از همه مهم‌تر، آموزش بهتر باشد که در هرم سنی جمعیت موجب تولید بالاتر می‌شود. مطالعات اخیر حاکی از افزایش جمعیت شاغل مسن است که البته بادر نظر داشتن سطح تحصیلات بیشتر میزان تولید نیز بالاتر خواهد بود. چه، بررسی انجام شده در آلمان نشان می‌دهد: کارورزان پا به سن گذاشته بیشتر دنبال مشاغلی می‌روند که مهارت‌های بالاتری را هم طلب کند. خطا نیست اگر ادعا شود کارکرد و درآمد شاغلان بالای ۵۰ سال نسبت به کارکنان جوان‌تر بیشتر باشد.

چنین اتفاقی برای کشورهایی که دارای افراد تحصیلکرده بیشتری بوده که تازه وارد سالخوردگی شده‌اند، می‌تواند حامل نتایج خوبی باشد. در کشورهای کمتر توسعه یافته نیز تا حدی می‌تواند خروجی قابل قبولی را به همراه داشته باشد. نیمی از کارکنان چینی واقع در سنین ۶۴-۵۰ مقطع ابتدایی را هم به اتمام نرسانده‌اند. چنین شاغلان بی‌مهارتی تولید چندان را هم نخواهند داشت. در این راستا، تحقیقی به منظور سنجش شناختی روی افراد متمول (بالای ۵۰ سال) انجام شد که در این آزمون از گروه آزمایشی خواسته شد تا برخی کلمات را تکرار کنند. هدف درواقع، بررسی میزان توانایی افراد در تکرار کلمات بود. نتیجه آزمون توانست میزان وابستگی

افراد را مشخص کند. یافته‌ها نشان داد که نسبت امکان شناخت در منطقه اروپای شمالی کمتر از چین و در آمریکا نسبت وابستگی از هند بهتر بوده است.

#### پیری جهانی

در کشورهای ثروتمند جهان طبقات تحصیلکرده بیش از افراد غیرماهر و به مدت طولانی‌تر به کار اشتغال دارند. ۶۵ درصد مردان آمریکایی واقع در سنین ۶۲-۷۴ که دارای نوعی از مدارک تحصیلی هستند هم اینک به کار اشتغال دارند. در مقابل، ۳۲ درصد شاغلان مردی که فقط دارای مدرک دبیرستانی‌اند در بازار کارند. اعضای اتحادیه اروپا هم شرایط مشابهی دارند.

شکاف اخیر به علت تفاوت‌های موجود بین جامعه غنی تحصیلکرده و فقیر بدون مهارتی خاص است که شامل همه گروه‌های سنی می‌شود. نوآوری‌های سریع توانسته درآمد شاغلان مجرب را افزایش دهد در حالی که برای سایر گروه‌ها چنین وضعی مشاهده نمی‌شود. میزان ساعات کاری افراد شاغل نیز بر اساس دسته‌بندی فوق از زیاد به کم بوده و البته میزان علاقه‌مندی و انگیزه کاری نیز همین حالت را دارد.

به هر حال، هرطور که به موضوع بنگریم جمعیت جهان در حال پیری است و چه‌بسا طول عمر بیشتری را هم داشته باشند. تا ۲۰ سال آینده، جمعیت جهانی بالای ۶۵ سال به دو برابر یعنی از ۶۰۰ میلیون به ۱/۱ میلیارد نفر خواهد رسید. با توجه به تجربه قرن بیستم، زمانی که درازی طول عمر منجر به طول مدت ایام بازنشستگی در مقایسه با سال‌های اشتغال شود، بسیاری را به این باور می‌رساند که این انتقال وضعیت در جمعیت مادامی‌که تورم مستمری‌بگیران بودجه دولتی را آسیب رساند، موجب رشد اقتصادی کندتر و لاجرم «رکود دوره‌ای» می‌شود.

اما فکر اینکه فاصله زیاد بین جوانان شاغل و پیران بیکار بتواند شکاف بین شاغلان ماهر و غیرماهر را بیشتر کند نیز خود موضوعی مهم است. نرخ‌های اشتغال در میان جوانان فاقد مهارت روبه کاهش است در حالی که طبقه پیر ماهر می‌تواند مدت‌زمان بیشتری را در دوران اشتغال بگذراند. این فاصله در جامعه آمریکا بسیار مشهود است. جامعه‌ای که بسیاری از تحصیلکرده‌ها سعی بر به تعویق انداختن زمان بازنشستگی دارند در صورتی که عمده جوانان کم‌تجربه از محیط کار اخراج شده‌اند.

البته نباید از سیاست‌های دولتی نیز غافل ماند. بسیاری از دولت‌های اروپایی ضمن مخالفت با بازنشستگی زودرس جامعه را به این سو ترغیب نمی‌کنند. افزایش امید به زندگی به همراه جایگزینی برنامه‌های مربوط به بهتر شدن پرداخت مقرری با برخی طرح‌های تحول‌زا، جامعه شاغل را تشویق می‌کند تا با راندمان کمی و کیفی آینده راحتی را برای دوران بازنشستگی تدوین کند. ولی نفس تغییر دادن فضای اشتغال خود نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند. بنابراین قاعده پرداخت بیشتر درازای تجربه و آگاهی بیشتر و تولید فزاینده سالخوردگان علاقه‌مند و با انگیزه در فضای اشتغال آنها را به‌خوبی به دوران بازنشستگی می‌رساند. البته در این میان گفته می‌شود تغییرات تکنولوژیکی در محیط‌های کاری (اینترنت) با توجه به قاعده مهم خلاقیت نزد مدیران نتوانسته

کاهش را در رابطه با عامل سن شاغلان نشان دهد. کشورهای غنی با جمعیت فراوان آموزش دیده مسن وصول به دوران پیری را آسان تر از کشورهایی چون چین که نیمی از جمعیت واقع در سنین ۶۴-۵۰ آن نتوانسته‌اند دوران ابتدایی را نیز بگذرانند، می‌توانند محقق کنند.

هرچند در بررسی و تحلیل اجتماعی موضوع مشکلات از جمله مشکلات ناشی از فاصله طبقاتی بین غنی و فقیر بسیار دولت‌های جهان در چالش با این معضلات مشغول برنامه‌ریزی به‌روز برای اصلاح وضعیت جمعیت سالخورده خود و البته با نگاه عمیق به توسعه اجتماعی و اقتصادی هستند.

انتهای پیام

منبع: [www.shafaqna.com](http://www.shafaqna.com)

پنجشنبه، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۳